

به نام خدا

باران که تسلی

مهدی مختارزاده کرمانی

مختارزاده کرمانی، مهدی، ۱۳۶۵ -
باران که شدی / مهدی مختارزاده کرمانی.

مشهد: شاملو، ۱۳۹۵.

۱۹۲ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۶۶۲-۴

فیبا.

شعر فارسی - قرن ۱۴

۱۳۹۵ ب ۲۷ خ / PIR۸۳۶۱

۸۱/۶۱

۴۴۷۱۱

باران که شدی

مهدی مختارزاده کرمانی

E_mail: microparsnet@gmail.com

Instagram: mahdi.mokhtarzadeh

طراح جلد: مریم نیک‌دل

لیتوگرافی: پارسا

چاپخانه: خوشه

چاپ: اول، زمستان ۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۶۶۲-۴

انتشارات شاملو

مشهد- نبش صیاد شیرازی- مجتمع ستا - واحد ۳۱۳

تلفن: ۳۸۹۴۳۲۲۳ (۰۵۱) - همراه: ۰۹۱۵۱۱۱۵۶۰۸

shamlo.pub@gmail.com



فهرست

۷	از زبان کتاب!
۹	پیش‌گفتار
۱۰	مقدمه
	غزل
۱۱	شراب غزل
۱۲	می‌رقصیم
۱۴	دزد و هنگ
۱۶	یادم را فراموش
۱۷	سه سالگی
۱۸	فال، حفظ
۱۹	دست نرس
۲۰	باقی ماجرا
۲۱	من توام
۲۲	دل آسمون هم مژد میشه!
۲۳	نبرد شبانه!
۲۴	بهانه
۲۵	شاعر مسلمان
۲۷	میهمان نیمه شب
۲۸	اثر انگشت
۳۰	سخت‌نگیر
۳۱	فکرهای فیلی
۳۲	کار خراب است
۳۴	شکستیم
۳۵	سیزده به در
۳۶	گدای مغرور
۳۷	رفیقان خدا
۳۸	دعای فرج
۳۹	بگو سبب
۴۰	زنده به گور
۴۱	لباس عشق
۴۲	نگرد، نیست!
۴۳	عنصر زمان
۴۴	پنجره‌ی خدا
۴۵	ما هیچ!

۴۷	وای بر تو
۴۸	قدرشناس
۴۹	خبر دارم!
۵۰	چشم خدا
۵۱	جهاد دروغ
۵۲	با بزرگان
۵۳	لیلی و مجنون جوان
۵۴	استهلام
۵۵	نماینده ندانی
۵۶	گفته بودم که
۵۷	عشق این نیست
۵۸	عشوّه گر
۶۰	عید قربان
۶۱	وارث درد
۶۲	معشوق بی نشان
۶۴	کباب بال قناری
۶۶	باغ یاغی
۶۷	هر چه می خواهی بگو
۶۹	مار گزیده
۷۱	پروانه مشو
۷۲	عاشورا
۷۳	حاصل جمع دو آه
۷۴	تصویر تو
۷۵	صرفاً جهت موی پریشان
۷۶	عشق بسیار
۷۸	من منم!
۷۹	باز تو هستی
۸۰	آه عاشقان
۸۱	شاید اگر بودی
۸۲	عالم بی عمل
۸۳	شکسته نفسی
۸۴	دل به دل
۸۵	عشق دردناک
۸۶	بهار در قطب
۸۷	مردان ادب

۸۸	باران که شدی...
۸۹	تو فرض کن...
۹۰	نیست خریدارِ عشق...
۹۲	درختِ عریان...
۹۳	دل‌گمشدگان...
۹۴	خلایق هر چه لایق...
۹۵	یار می‌رود...
۹۶	می‌رود اما...
۹۷	خاک پدید شد...
۹۸	تو رف...
۹۹	ما ندیدیم...
۱۰۰	قسم به ناعربانِ شهر...
۱۰۱	حس مرا جابوس کن...
۱۰۲	شکارِ باطن از طایر...
۱۰۴	وصفِ ایزد...
۱۰۵	نسلِ مصیبت‌بار...
۱۰۶	اشکِ تمساح...
۱۰۷	یار بسی...
۱۰۸	هزار دل...
۱۰۹	درسِ عبرت...
۱۱۰	عقده را قافیه کردند...
۱۱۲	قرارِ عاشقانه...
۱۱۳	من بی‌من...
۱۱۴	در مُسلک ما...
۱۱۵	بال‌های مگسی...
۱۱۶	می‌شود...
۱۱۷	چه کنم؟
۱۱۸	درختِ کنار رود...
۱۱۹	در گذر...
	مثنوی
۱۲۰	سنگِ مرمر...
۱۲۲	نفرینِ بست...
۱۲۴	شعرِ من...
	چهارپاره
۱۲۵	قیمتِ عشق...

۱۲۷	 باز، می‌شود.....
۱۲۸	 زاغ و الاغ.....
۱۳۰	 خوب شد؟.....
۱۳۱	 خدای دوره‌گرد.....
۱۳۳	 عشق پاییزی.....
۱۳۴	 یه حالی دارم.....
	سپید
۱۳۵	 زار ز.....
۱۳۶	 سر سرکش.....
۱۳۶	 از روزها.....
۱۳۷	 من از این بهر خواهم رفت.....
۱۳۹	 هیچ مگر.....
۱۴۰	 دور زدن.....
۱۴۰	 دلم.....
۱۴۱	 هنگام سقوط.....
۱۴۲	 روزی دلت تنگ خواهد شد.....
۱۴۳	 خاک و خاک.....
۱۴۵	 جغد شوم.....
۱۴۶	 دلم یک اتفاق تازه می‌خواهد.....
۱۴۷	 هیچ‌کس تنها نیست.....
۱۴۸	 دست‌نیافتنی.....
۱۴۹	 اولین قرار.....
۱۵۰	 عشق عمومی.....
۱۵۱	 صحنه‌ی جرم.....
۱۵۱	 کار بیهوده.....
۱۵۲	 بوی عشق.....
۱۵۳	 تیرِ تیر ماه.....
۱۵۱	 من هیچ‌ام.....
۱۵۵	 شمع در باد.....
۱۵۵	 سکوت می‌کنم.....
۱۵۶	 عطر سرد.....
۱۵۶	 دور شدن.....
۱۵۷	 کوچک بزرگ.....
۱۶۴	 رباعی.....
۱۸۸	 تک بیت.....

پیش‌گفتار

سال‌های تیر (جنگ) تمام نشده بود که در ماه تیر آغاز شدم.
پانزده ساله بودم که تیزی نوک قلم، دست را سوراخ کرد! برنده‌تر از
شمشیر و کوچکتر از چاقو بود و از همان روز سال من علم است!
گاه به قلب عشاق می‌نشانمش و گاه بر شاه‌رگ است. سال من کشانم...
سلاح من نه سرد و نه گرم، داغ و یخ است!
داغی که فردوسی بزرگ بر دل اعراب جاهلیت نشاند تا زبان من باران
بماند، و یا زکریای رازی که جهان سرخ و خراب از اوست در داغ الکلیش!
و یخی به خنکای اشعار مولانا بر دردگاه جهالت انسان و یا مرهم‌گونه‌ای
بر درد ایرانی، به دستان ابن‌سینای بزرگ...
آری این سلاح من است!

مقدمه

باران که شدی... پیش به سوی جاری شدن است.
 با وجه اشتراکی به نام انسانیت که نه در دین خلاصه است و نه در آیین نه مذهب
 می‌شناسد و نه گرایش!
 زمان می‌شناسد و نه مکان!
 - سیت نمی‌داند و از رنگ و نژاد هیچ نمی‌فهمد!
 موقعیت اجتماعی دایش جوک سال است!
 باران، بمن نذر، دوست هم ندارد، او عاشق است، عاشق هر چیزی که می‌شود بر او
 بارید.
 باران که شدی... تازه می‌فهمی چه لذتی دارد باریدن بدون توقع...

در این مجموعه سعی شده است راه، روش و عرفان مولانا به شکل ساده و
 سطحی و در خور حوصله مخاطب قرن ۲۱ به زبان شعر نگارش شود.
 همچنین عاشقانه‌هایی برای چاشنی این راه و پندگونه‌هایی برای تفکر
 بیشتر در این روزهای سیاه خرد گنجاند شده است.
 جای تقدیر و تشکر است:

از احمد شاملو، بسیار کوچک بودم وقتی که در ادامه رگی‌اش را و او در
 حال سفر بود به سوی معشوق.

استاد حسین الهی قمشه‌ای که افتخار شاگردی مکتب‌الانوار والاترین
 افتخارات است.

استاد محمدعلی مقدم سپهر، که در این روزهای تاریک، ستاره‌ای هستند
 در آسمان تفکراتم...

مدرس دانشگاه در حوزه IT

محقق و مفسر ادبیات کهن

مهدی مختارزاده کرمانی